

بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی در زمینه‌ی کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشگاه زنجان)

روح‌اله رضایی*^۱ - آصف کریمی^۲ - فرشته میری کرم^۳ - لیلا صفا^۴

۱. استادیار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان

۲. دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشگاه زنجان

۴. دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲۷، تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۹/۸)

چکیده

تحقیق توصیفی - پیمایشی حاضر با هدف بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی دانشگاه زنجان در زمینه کارآفرینی صورت پذیرفت. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۹۸ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان بود که با توجه به جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۱۹۵ نفر از آنان از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده گردید. روایی محتوایی پرسش‌نامه با نظر اعضای هیات علمی دانشگاه‌های تهران و زنجان مورد تایید قرار گرفت. به منظور تعیین قابلیت اعتماد ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسش‌نامه ۰/۸۲ به دست آمد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اهمیت هر شش عامل بررسی شده در قالب مدل مفهومی پژوهش، بر اساس داده‌های میدانی مورد تایید قرار گرفته (برازش مناسب مدل) و این عامل‌ها به ترتیب شامل دانش کارآفرینی، مهارت‌های عمومی، قوانین و مقررات، شایستگی‌های شغلی، تدوین طرح کسب‌وکار و مهارت‌های مدیریتی با تبیین ۶۶/۱ درصد از واریانس کل، اولویت‌های اول تا ششم را در شناسایی و تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی کسب نمودند.

واژه‌های کلیدی: آموزش کارآفرینی، نیازهای آموزشی، دانشجویان کشاورزی، دانشگاه زنجان

مقدمه

مساله بیکاری به عنوان مانعی در مسیر توسعه کشورهای در حال توسعه، یکی از عمده ترین چالش های اقتصادی- اجتماعی و از مهمترین تهدیدات برای امنیت و توسعه ملی کشورها محسوب می شود (کردنائیچ، ۱۳۸۴، ۲). در این زمینه، یکی از اصلی ترین الزامات و راهکارهایی که در سال های اخیر جهت مقابله با بیکاری و به ویژه تقویت نظام های آموزشی از جمله آموزش عالی کشاورزی از سوی شمار زیادی از دانشمندان و صاحب نظران مورد توجه جدی قرار گرفته است، توسعه کارآفرینی در مراکز آموزشی و دانشگاهی می باشد (Walter and Cheung, 2008, 503; Blenker et al., 2008, 47; Dohse, 2009, 15)، به نحوی که آموزش کارآفرینی به دلیل مشخصه هایی که دانشگاه ها از نظر داشتن سرمایه انسانی در قالب دانشجو و اعضای هیات علمی دارند، به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاهی در کشورهای مختلف دنیا تبدیل شده است (طالبی و زارع یکتا، ۱۳۸۷، ۱۱۵).

آموزش کارآفرینی می تواند یکی از اثرگذارترین شیوه ها برای انتقال آسان جمعیت دانش آموختگان به بازار کار باشد (سعیدی مهرآباد و مهدی، ۱۳۸۷، ۶۱، Urbano et al., 2008, 337). با توجه به اهمیت موضوع، در کشور ایران نیز در چند سال اخیر دانشگاه ها به آموزش کارآفرینی روی آورده اند و فعالیت های متعددی را به منظور آموزش کارآفرینی و تقویت نقش آن در ایجاد، توسعه و تغییر در گرایش، دانش و مهارت دانشجویان انجام داده اند (آراستی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰۸). هر چند تجارب به دست آمده نشان می دهند که به رغم توجه به آموزش های کارآفرینی در دانشگاه ها، این آموزش ها همواره با مشکلات جدی و عدیده ای مواجه بوده (زالی و رضوی، ۱۳۸۳، ۷۵) و نتوانسته اند انگیزه لازم برای راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه را در دانش آموختگان ایجاد نمایند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۹۲). در این زمینه، شریف و همکاران (۱۳۹۰، ۹۰) بر این باورند که وضعیت موجود آموزش کارآفرینی به ویژه در سطح آموزش عالی در کشور، از یک الگوی منسجم برخوردار نبوده و دچار پراکندگی و سردرگمی است. این مساله در

آموزش عالی کشاورزی از وضعیت به مراتب حادثری برخوردار بوده و در واقع، آموزش و توسعه کارآفرینی میان دانشجویان و دانش آموختگان بخش کشاورزی، یکی از مشکلات اساسی و عمده آموزش عالی کشاورزی به شمار می‌رود (حسینی و عزیزی، ۱۳۸۶، ۲۴۳). بی‌تردید، بخش قابل توجهی از این مشکل به عدم نیازسنجی صحیح در دانشگاه‌ها در زمینه آموزش‌های کارآفرینانه مربوط می‌شود که سبب گردیده است تا محتوای چنین آموزش‌هایی از اثربخشی و کارایی لازم برخوردار نبوده و نیازهای آموزشی اصلی دانشجویان در حوزه کارآفرینی را مرتفع نکند (آگهی و خالدی، ۱۳۸۸، ۲). اهمیت این مساله، با در نظر گرفتن اینکه کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه علمی نوظهور (محمدی الیاسی، ۱۳۸۷، ۱۰۵)، به لحاظ موضوعی و محتوایی دارای گستره بسیار وسیع و متنوعی می‌باشد، دو چندان است. از این رو با توجه به مطالب اشاره شده، سوال اصلی تحقیق حاضر این بود که مهمترین نیازهای آموزشی دانشجویان رشته‌های کشاورزی در زمینه کارآفرینی به ترتیب اهمیت شامل چه مواردی می‌شوند؟

مروری بر پیشینه‌ی تحقیق

برخی صاحب‌نظران اعتقاد دارند علم کارآفرینی مبنی بر یک فعالیت و تفکر ارثی بوده و قابل یاددهی و یادگیری نیست؛ این نظریه که در دهه شصت و حتی هفتاد میلادی به شدت مورد توجه قرار گرفت، تاثیر آموزش مهارت‌های کارآفرینی برای توسعه این دانش را منتفی می‌دانست. ولی وقوع تغییرات در فضای اقتصادی دنیا و شکل‌گیری نسل جدیدی از کارآفرینان نواندیش سبب گردید تا نظریه توارثی بودن کارآفرینی جای خود را به کارآفرینی آموزشی بدهد (طالبی و زارع یکتا، ۱۳۸۷، ۱۱۳ و ۱۱۴)، به نحوی که امروزه آموزش کارآفرینی به مثابه یکی از ابزارهای کلیدی برای افزایش گرایش به کارآفرینی افراد مطرح شده (آراستی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰۹) و جزو یکی از جدیدترین ماموریت‌های اساسی دانشگاه‌ها برای توسعه و پرورش کارآفرینان محسوب می‌شود (زالی و رضوی، ۱۳۸۳، ۵۲). اهمیت این موضوع تا حدی بوده است که در الگوی مفهومی

دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۱ نیز آموزش کارآفرینی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی محیط کارآفرینانه در نظر گرفته شده است (آراستی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰۹).

آموزش کارآفرینی فرایندی نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گرا است که طی آن افراد غیرکارآفرین ولی دارای توان بالقوه، به صورتی خلاق تربیت می‌شوند (سعیدی مهرآباد و مهتدی، ۱۳۸۷، ۶۰). در واقع، این نوع آموزش فعالیتی به شمار می‌رود که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره کسب‌وکار استفاده شده (Jones and English, 2005, 418) و می‌تواند منجر به بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیرکارآفرین شود (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵، ۱۶۰). به‌طور کلی، آموزش کارآفرینی به شکل قابل توجهی در بهبود نگرش کارآفرینانه افراد و در نتیجه افزایش احتمال کارآفرین شدن آنها موثر می‌باشد (جعفری‌مقدم و فخارزاده، ۱۳۹۰، ۴۸). صرف‌نظر از اهمیت آموزش‌های کارآفرینی، آنچه مسلم است با توجه به گستردگی موضوعی و محتوایی این آموزش‌ها و مهارت‌های مختلف مورد نیاز افراد برای راه‌اندازی، مدیریت و توسعه کسب‌وکارهای جدید (رستمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۹۱)، آموزش‌های کارآفرینی زمانی از اثربخشی و کارایی لازم برای پرورش افراد کارآفرین برخوردار خواهند بود که بتوانند به شیوه مناسبی به نیازهای آموزشی افراد در زمینه‌های مختلف مرتبط با کارآفرینی پاسخ دهند (احمدی و شرفی، ۱۳۸۶، ۱).

برنامه درسی آموزش‌های کارآفرینی از نظر ماهیت باید مبتنی بر رویکرد چند رشته‌ای باشد (شرفی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰۴). این برنامه‌ها باید بتوانند تنوع و گستردگی علم کارآفرینی را نشان دهند و همان‌گونه که افراد دارای استعدادها، انگیزه‌ها و هویت‌های پیچیده‌اند، این نوع آموزش‌ها نیز باید بتوانند نیازهای متنوع آنها در زمینه‌های مختلف را مرتفع نمایند (Luczkiw, 2008, 75). در این خصوص، لوس‌کیو^۲ (۲۰۰۸، ۶۵) نیازهای آموزشی در حوزه کارآفرینی را به دو دسته خصوصیات کارآفرینی و مهارت‌های پروژه (شامل مدیریت پروژه، نوآوری، خلاقیت و بازاریابی، ارتباطات و مهارت‌های کسب‌وکار)

1. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

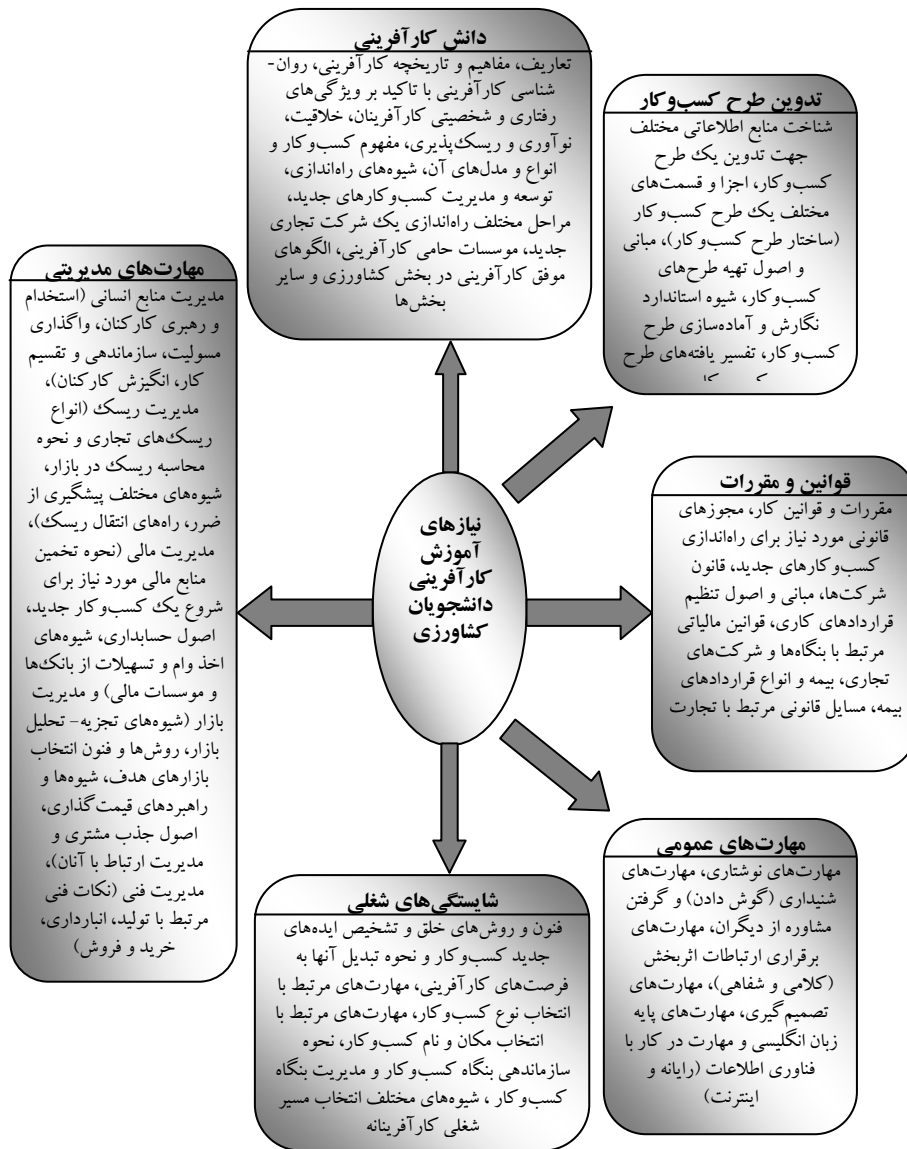
2. Luczkiw

و کارآفرینی (شامل رهبری، شبکه‌سازی، حسابداری، برنامه‌ریزی راهبردی و تدوین طرح‌های کسب و کار) تقسیم‌بندی می‌نماید. در این بخش با توجه به اینکه مطالعات تجربی متعددی در داخل و خارج از کشور در محدوده موضوع مورد پژوهش صورت گرفته است، به منظور مرور منسجم‌تر نتایج این مطالعات و استخراج متغیرهای تحقیق مرتبط با نیازهای آموزش کارآفرینی، یافته‌های پژوهش‌های کلیدی به صورت خلاصه در جدول شماره (۱) آورده شده است.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های کلیدی درباره‌ی نیازهای آموزشی در زمینه‌ی کارآفرینی

پژوهشگر (سال انجام تحقیق)	عنوان پژوهش	نیازهای آموزشی در زمینه کارآفرینی
احمدی و شرفی (۱۳۸۶)	بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان دوره کارشناسی رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تهران در زمینه کارآفرینی	شناسایی فرصت‌های شغلی، خلاقیت و نوآوری، تدوین طرح کسب و کار، روش‌های تامین سرمایه و منابع مالی، مهارت تصمیم‌گیری، بازاریابی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت زمان، برنامه‌ریزی کسب و کار، اصول و فنون مذاکره، رهبری افراد، مدیریت کیفیت و بهره‌وری، ارزیابی میزان موفقیت کسب و کار، برنامه‌ریزی راهبردی در شرکت‌های کوچک، اصول رقابت و حفظ موقعیت بازار
آگهی و خالدی (۱۳۸۸)	تبیین نیازهای آموزشی دانشجویان در زمینه وظایف تجاری کارآفرینی با استفاده از مدل نیازسنجی بوریچ و مدل تجزیه و تحلیل کوادرنانت از دیدگاه اساتید و دانشجویان کشاورزی غرب کشور	مدیریت مالی (حسابداری، امور مالی و مدیریت بودجه)، مدیریت منابع انسانی (سازماندهی، کارگزینی، کارآموزی و انگیزش)، مدیریت اطلاعات، مدیریت بازار (مدیریت اطلاعات بازار، قیمت‌گذاری و فروش)، مدیریت عملیات (سیستم‌های تجاری، مدیریت کانال‌های ارتباطی و خرید)، مدیریت ریسک (ریسک‌های تجاری و ملاحظات قانونی) و مدیریت راهبردی (برنامه‌ریزی و کنترل)
گریچ‌نیک و هیسریچ ^۱ (۲۰۰۹)	مشخصه‌های کارآفرینی: صلاحیت-ها و نیازهای آموزشی کارآفرینی در دانشگاه‌های آلمان	الف- مهارت‌های مدیریتی شامل تامین مالی، ارتباط با افراد، بازاریابی، ایده-یابی، سازماندهی و برنامه‌ریزی، مدیریت نظام‌های اطلاعاتی، و ب- شایستگی‌های شغلی شامل مذاکره، رایب شفاهی، توانایی نوشتن، تحلیل و حل مساله، مهارت‌های حسابداری، انگیزش کارکنان و توسعه روابط تجاری
اسوادرز ^۲ (۲۰۰۹)	نیازهای آموزشی کارآفرینان	الف- توسعه کسب و کار: ایده‌یابی، راه‌اندازی کسب و کار، قوانین و مقررات، مدیریت کسب و کار، کنترل و نظارت کارکنان، فروش و بازاریابی؛ ب- شایستگی‌های شغلی: نوآوری و خلاقیت، شناسایی فرصت‌ها، مهارت‌های ارتباطی، توسعه فرصت‌ها در قالب واحدهای کسب و کار، مهارت در برنامه-ریزی راهبردی؛ ج- ریسک و عدم قطعیت: شناسایی ریسک، روش‌های مدیریت و کاهش ریسک، شناسایی و تحلیل رقیبان در بازار و تثبیت و حفظ موقعیت در بازار
اسکون و یلدریم ^۳ (۲۰۱۱)	دیدگاه‌های مرتبط با آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های دولتی ترکیه	مفاهیم مرتبط با کارآفرینی، راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار، مهارت‌های عمومی (شامل مهارت‌های نوشتاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، کار تیمی)، قوانین مرتبط با راه‌اندازی کسب و کار، مقررات و قوانین کار، انتخاب نوع کسب و کار، نحوه سازماندهی بنگاه کسب و کار، تدوین و نگارش طرح کسب و کار، مدیریت بازار، مدیریت زمان و مدیریت منابع انسانی

1. Grichnik and Hisrich
2. Swaders
3. Askun and Yildırım



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش‌های پیشین و مساله اصلی پژوهش، تحقیق حاضر با هدف بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی دانشگاه زنجان در زمینه کارآفرینی انجام گرفت. در قالب هدف کلی اشاره شده، بر مبنای ادبیات نظری و مطالعات تجربی انجام گرفته در داخل و خارج که به خلاصه برخی از

مهمترین آنها در قالب جدول شماره (۱) اشاره شد، متغیرهای مرتبط با انواع نیازهای آموزش کارآفرینی استخراج شده و با نظر کمیته تحقیق و مصاحبه با برخی خبرگان و متخصصان در حیطه موضوع مورد پژوهش و بر مبنای همگنی محتوایی و مفهومی گویه‌ها، این متغیرها در قالب شش عامل مجزا شامل دانش کارآفرینی، مهارت‌های عمومی، شایستگی‌های شغلی، تدوین طرح کسب و کار، مهارت‌های مدیریتی و قوانین و مقررات طبقه‌بندی شدند و براساس آن به‌عنوان جمع‌بندی، چارچوب/مدل مفهومی پژوهش ترسیم شد (نمودار شماره ۱).

روش‌شناسی

این تحقیق براساس شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی و از نظر هدف از نوع پژوهش‌های اکتشافی محسوب می‌شود. جامعه آماری این تحقیق را ۳۹۸ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان (در سال تحصیلی ۹۰-۹۱) تشکیل می‌دادند که با توجه به جدول کرجسی و مورگان^۱، تعداد ۱۹۵ نفر از آنان به‌عنوان نمونه برای انجام تحقیق انتخاب شدند. برای دستیابی به نمونه‌ها و تکمیل پرسش‌نامه‌ها، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (بر حسب جنس دانشجویان) بهره گرفته شد که پس از محاسبه، تعداد نمونه‌های زیر به شرح جدول شماره (۲) به هر یک از طبقات اختصاص یافت.

جدول ۲. تعداد کل دانشجویان مورد مطالعه و نمونه‌های اختصاص یافته به هر یک از طبقات

طبقات (بر حسب جنس)	تعداد کل دانشجویان	تعداد نمونه اختصاص یافته
پسر	۱۴۹	۷۳
دختر	۲۴۹	۱۲۲
کل	۳۹۸	۱۹۵

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسش‌نامه بود که از دو بخش مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و پرسش‌های مرتبط با نیازهای آموزشی دانشجویان در زمینه کارآفرینی (شامل ۳۶ متغیر) تشکیل شده بود. بر مبنای پرسش اصلی تحقیق یعنی تعیین

1. Krejcie and Morgan

مهم‌ترین نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی و براساس مدل مفهومی پژوهش، ۳۶ پرسش / متغیر مورد مطالعه به شرح زیر به هر یک از عامل‌های اشاره شده در قالب مدل مفهومی پژوهش اختصاص یافت: دانش کارآفرینی (شامل ۸ پرسش)، مهارت‌های عمومی (شامل ۶ پرسش)، شایستگی‌های شغلی (شامل ۵ پرسش)، تدوین طرح کسب و کار (شامل ۵ پرسش)، مهارت‌های مدیریتی (شامل ۵ پرسش) و قوانین و مقررات (شامل ۷ پرسش). برای اندازه‌گیری هر یک از این متغیرها در قالب شش بخش اشاره شده در پرسش‌نامه، از طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) استفاده شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه با نظر اعضای هیات علمی دانشگاه‌های تهران و زنجان مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین اعتبار سازه‌ای ابزار تحقیق از روش تحلیل عاملی استفاده شد؛ در این زمینه، نستات^۱ برای ارزیابی اعتبار سازه‌ای مراحل زیر را پیشنهاد داده است (Karimi et al., 2011, 645): ۱- انجام دادن تحلیل عاملی اکتشافی به منظور مشخص کردن عامل‌های اساسی، ۲- تصمیم‌گیری در مورد تعداد عامل‌های مورد نیاز برای تبیین متغیرهای مشاهده شده، ۳- چرخش عامل‌ها و کنار گذاشتن متغیرهایی که روابط ضعیفی با عوامل استخراج شده دارند یا بیش از یک عامل را معرفی می‌کنند، و ۴- تحلیل عاملی تاییدی گویه‌های باقیمانده به منظور تایید ساختار نظری ابزار تحقیق و نیکویی برازش آن با داده‌های مشاهده شده. هم‌چنین، در این تحقیق برای تعیین پایایی و همسانی درونی گویه‌های پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای مقیاس اصلی پرسش‌نامه ۰/۸۲ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS Win16 و LISREL 8.5 انجام گرفت و نتایج در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی (شامل تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی و مدل معادلات ساختاری) ارائه گردید. لازم به ذکر است که تحلیل عاملی اکتشافی روشی است که می‌تواند به منظور ساده‌سازی متغیرهای مورد مطالعه بر اساس هم‌وابستگی بین آنها مورد استفاده قرار گیرد. این روش به‌طور سنتی برای کشف ساختار عاملی مجموعه‌ای از متغیرهای آشکار و قابل مشاهده در مطالعات اجتماعی - اقتصادی به کار گرفته می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۸، ۱۹۰). به همین

1. Nestat

منوال، مدل معادلات ساختاری، فن مدل‌سازی آماری است که تمرکز اصلی آن بر روی متغیرهای پنهان (سازه) است که توسط شاخص‌های اندازه‌پذیر و متغیرهای آشکار یا نشانگرها تعریف می‌شوند. با استفاده از این روش می‌توان روابط علت و معلولی میان متغیرهایی که بطور مستقیم قابل مشاهده نیستند، با توجه به خطاها استنتاج نموده و میزان همبستگی و شدت اثرگذاری هر یک بر دیگری را مطالعه کرد (Bentler and Weeks, 1980, 292). مدل معادلات ساختاری شامل دو قسمت مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری است که در تحقیق حاضر با توجه به هدف و محدوده موضوعی پژوهش، به ارایه مدل اندازه‌گیری پرداخته شده است. در قالب این مدل مشخص می‌شود که چگونه متغیرهای مکنون بر حسب متغیرهای قابل مشاهده مورد سنجش قرار می‌گیرند و اعتبار و روایی آنها به چه میزان است؛ برای این منظور بار عاملی هر نشانگر بر روی سازه مورد نظر برآورد و با استفاده از مقدار t معنی‌داری آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد (Temme et al., 2002: 112).

یافته‌ها

الف- مشخصه‌های فردی- حرفه‌ای دانشجویان

بر اساس نتایج، میانگین سن دانشجویان مورد مطالعه ۲۵/۷ سال و انحراف معیار آن ۲/۵۶ بود. نتایج تحقیق نشان داد که میانگین معدل دانشجویان ۱۸/۷۵ و انحراف معیار آن ۱/۱۲ می‌باشد. از نظر سابقه کار کشاورزی، یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که ۳۰/۵ درصد پاسخگویان دارای سابقه کار کشاورزی و بقیه (۶۹/۵ درصد) فاقد آن بودند.

ب- تحلیل عاملی اکتشافی

به منظور دسته‌بندی "نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی" و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته‌بندی شده، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. براساس نتایج تحقیق، معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و مقدار مناسب KMO ، حاکی از همبستگی و مناسبیت متغیرهای مورد نظر برای انجام تحلیل عاملی بود (جدول ۳).

جدول ۳. مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری
نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی	۰/۸۲۱	۱۳۲۴/۰۲۱	۰/۰۰۰

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس ویژه	درصد واریانس جمعی
دانش کارآفرینی	۰/۸۳۵	شیوه‌های راه‌اندازی، ثبت، توسعه و مدیریت کسب‌وکارهای جدید	۵/۲۴۶	۱۶/۲۵	۱۶/۲۵
	۰/۸۰۳	تعاریف، مفاهیم و تاریخچه کارآفرینی در ایران و جهان			
	۰/۷۸۹	خلاقیت، نوآوری و ریسک‌پذیری			
	۰/۷۵۲	مراحل مختلف راه‌اندازی یک بنگاه/ شرکت تجاری جدید			
	۰/۷۲۱	مفهوم کسب‌وکار و انواع و مدل‌های آن			
	۰/۷۰۱	روانشناسی کارآفرینی با تأکید بر ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی کارآفرینان			
مهارت‌های عمومی	۰/۶۴۵	موسسات و نهادهای حامی کارآفرینی	۴/۴۵۸	۱۳/۷۶	۳۰/۰۱
	۰/۸۱۲	مهارت‌های برقراری ارتباطات اثربخش (کلامی و شفاهی)			
	۰/۷۹۴	مهارت‌های تصمیم‌گیری			
	۰/۷۵۷	مهارت در کار با فناوری اطلاعات (رایانه و اینترنت)			
	۰/۷۲۸	مهارت‌های پایه زبان انگلیسی			
	۰/۷۰۴	مهارت‌های شنیداری (گوش دادن) و گرفتن مشاوره از دیگران			
قوانین و مقررات	۰/۶۶۳	مهارت‌های نوشتاری	۳/۳۱۳	۱۰/۳۱	۴۰/۳۲
	۰/۷۴۵	مقررات و قوانین کار			
	۰/۷۱۶	مجوزهای قانونی مورد نیاز برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید			
	۰/۶۷۱	قانون شرکت‌ها			
شایستگی‌های شغلی	۰/۶۱۴	مبانی و اصول تنظیم قراردادهای کاری	۳/۲۸۸	۱۰/۱۴	۵۰/۴۶
	۰/۵۶۷	قوانین مالیاتی مرتبط با بنگاه‌ها و شرکت‌های تجاری			
	۰/۷۵۶	نحوه سازماندهی بنگاه کسب‌وکار			
	۰/۷۰۴	مدیریت بنگاه کسب‌وکار			
تدوین طرح کسب‌وکار	۰/۶۶۲	فنون و روش‌های خلق و تشخیص ایده‌های جدید کسب‌وکار و نحوه تبدیل آنها به فرصت‌های کارآفرینی	۲/۸۶۶	۸/۵۶	۵۹/۰۲
	۰/۶۱۱	مهارت‌های مرتبط با انتخاب نوع کسب‌وکار			
	۰/۵۵۵	مهارت‌های مرتبط با انتخاب مکان و نام کسب‌وکار			
	۰/۶۴۵	اجزا و قسمت‌های مختلف یک طرح کسب‌وکار (ساختار طرح کسب‌وکار)			
مهارت‌های مدیریتی	۰/۶۱۶	شیوه استاندارد نگارش و آماده‌سازی طرح کسب‌وکار	۲/۲۹۵	۷/۰۸	۶۶/۱
	۰/۵۶۳	مبانی و اصول تهیه طرح‌های کسب‌وکار			
	۰/۵۳۸	شناخت منابع اطلاعاتی مختلف جهت تدوین یک طرح کسب‌وکار			
	۰/۵۰۴	تفسیر و توجیه یافته‌های طرح کسب‌وکار			
مهارت‌های مدیریتی	۰/۶۶۶	مدیریت منابع انسانی (استخدام و رهبری کارکنان، واگذاری مسولیت، سازماندهی و تقسیم کار، انگیزش کارکنان و غیره)	۲/۲۹۵	۷/۰۸	۶۶/۱
	۰/۵۸۶	مدیریت ریسک (انواع ریسک‌های تجاری و نحوه محاسبه ریسک در بازار، شیوه‌های مختلف پیشگیری از ضرر، راه‌های انتقال ریسک)			
	۰/۵۳۴	مدیریت مالی (نحوه تخمین منابع مالی مورد نیاز برای شروع یک کسب‌وکار جدید، اصول حسابداری، شیوه‌های اخذ وام و تسهیلات از بانک‌ها و موسسات مالی و غیره)			
	۰/۵۰۹	مدیریت بازار (شیوه‌های تجزیه-تحلیل بازار، روش‌ها و فنون انتخاب بازارهای هدف، شیوه‌ها و راهبردهای قیمت‌گذاری و اصول مدیریت ارتباط با مشتری)			

برای استخراج عامل‌ها، از معیار مقدار ویژه استفاده گردید و عامل‌هایی مد نظر قرار گرفت که مقدار ویژه آنها از یک بزرگتر بود. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی در جدول شماره (۴) آورده شده است. همان‌طور که از نتایج پیداست به‌طور کلی شش عامل استخراج شده توانسته‌اند در حدود ۶۶/۱ درصد از واریانس کل نیازهای آموزشی دانشجویان در زمینه کارآفرینی را تبیین نمایند که در این میان عامل نخست یعنی "دانش کارآفرینی" با مقدار ویژه ۵/۲۴۶، بیشترین میزان واریانس را به خود اختصاص داده است. البته ذکر این نکته ضروری است که پس از چرخش (وریماکس)، چهار متغیر به دلیل پایین بودن بار عاملی از تحلیل حذف شدند.

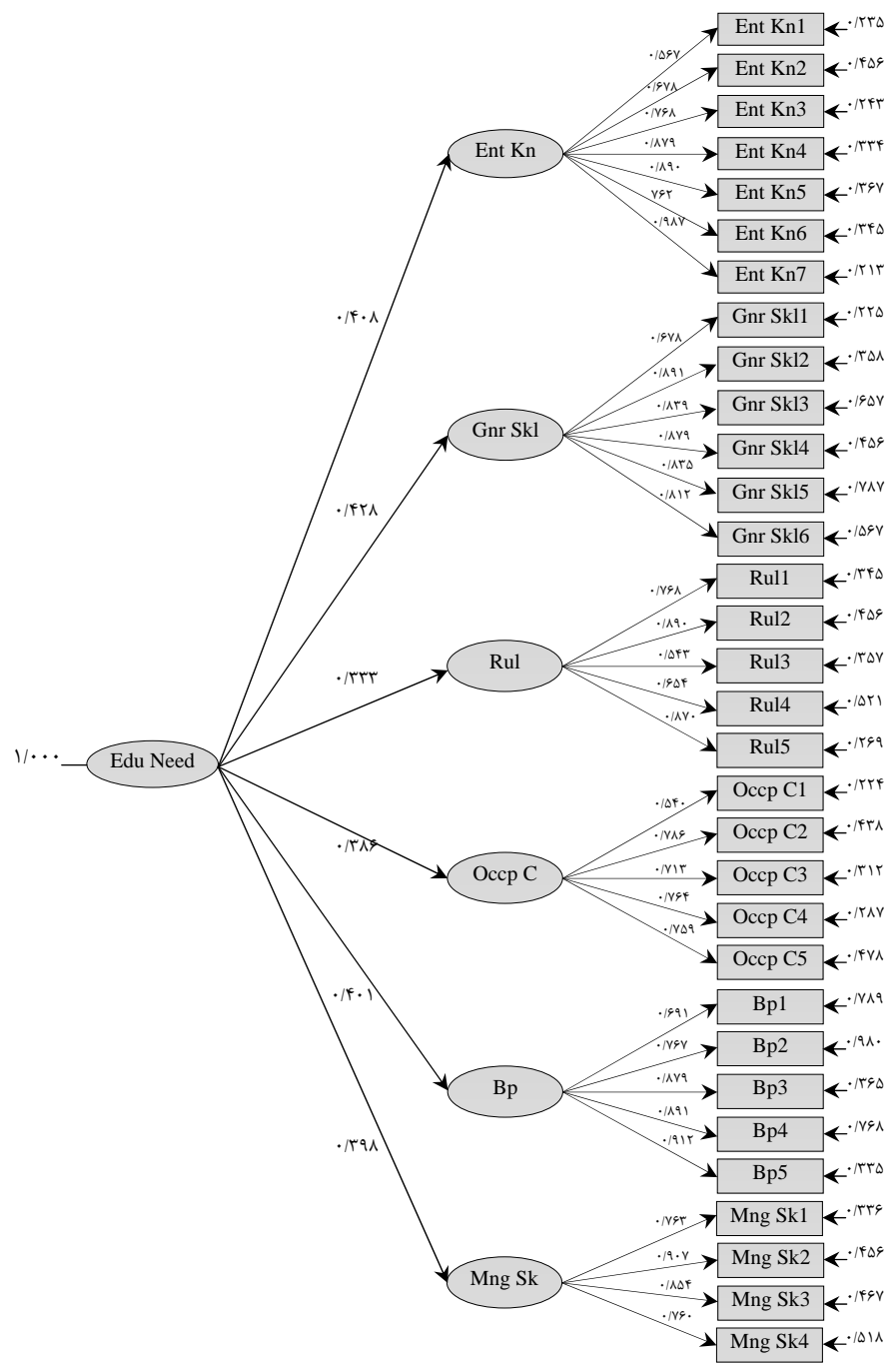
ج- تحلیل عاملی تاییدی (مدل معادلات ساختاری)

به منظور بررسی اعتبار سازه‌ای پرسش‌نامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار LISREL_{8.5} از طریق تحلیل عاملی تاییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که یافته‌های کسب شده از آن در جدول شماره (۵) و نمودار شماره (۲) آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره (۵)، شاخص‌های برازندگی به دست آمده نشان دهنده برازش مناسب مدل مورد مطالعه با داده‌های مشاهده شده می‌باشند.

جدول ۵. نتایج میزان انطباق مدل پژوهش با شاخص‌های برازندگی

نتایج در پژوهش	معیار پیشنهاد شده	شاخص برازش
۲/۹۱۱	کمتر از ۳	χ^2/df
۰/۰۰۰	کوچکتر یا مساوی ۰/۰۵	سطح معنی‌داری
۰/۹۳	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	NFI
۰/۹۱	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	NNFI
۰/۹۱	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	CFI
۰/۹۰	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	GFI
۰/۹۵	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	IFI
۰/۰۴۶	کوچکتر یا مساوی ۰/۰۵	RMR
۰/۰۵۷	کوچکتر یا مساوی ۰/۱۰	RMSEA

همان‌طور که از مدل برازش شده نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی در نمودار شماره (۲) پیداست بارهای عاملی استاندارد شده گویه‌ها حاکی از آن می‌باشند که ابزار اندازه‌گیری از اعتبار سازه‌ای مناسبی برخوردار است.



Chi-Square= 614.34, df= 211, P- value= 0.00000, RMSEA= 0.057

نمودار ۲. بارهای عاملی استاندارد شده به همراه سطح معنی داری مدل

هم‌چنین نتایج حاصل از ضرایب معنی‌داری^۱ نشان داد که مقادیر t به‌دست آمده برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه از ۱/۹۶ بزرگ‌تر بوده و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنی‌دار بوده است. بر این اساس، می‌توان بیان داشت که عامل‌های دانش‌کارآفرینی، مهارت‌های عمومی، قوانین و مقررات، شایستگی‌های شغلی، تدوین طرح کسب‌وکار و مهارت‌های مدیریتی تا حدود زیادی ابعاد مستقل و مجزای نیازهای آموزش کارآفرینی دانشجویان را اندازه‌گیری می‌کنند و به ترتیب اولویت‌های اول تا ششم را در تدوین نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی به خود اختصاص می‌دهند.

بحث و نتیجه

آنچه مسلم است کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه علمی نوظهور دارای اصول و مبانی، نظریه‌ها و روش‌ها و در مجموع دانش و قلمرو نظری خاص می‌باشد که ضروری است در آموزش‌های کارآفرینی پیش از پرداختن به هر موضوع دیگری، این مبانی نظری برای مخاطبان تبیین شوند تا افراد بتوانند با ذهنیت بهتری به درک و یادگیری سایر مباحث در حوزه کارآفرینی بپردازند. اهمیت این موضوع از طریق یافته‌های تحقیق حاضر نیز مورد تایید قرار گرفته و عامل "دانش کارآفرینی" به‌عنوان مهم‌ترین نیاز آموزشی دانشجویان در زمینه کارآفرینی وارد تحلیل عاملی شده است. در این خصوص توجه به آموزش مفاهیم اساسی همچون مفهوم و تاریخچه کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری و ریسک‌پذیری، مراحل و شیوه‌های راه‌اندازی، توسعه و مدیریت کسب‌وکارها، مدل‌های کسب‌وکار، ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی کارآفرینان و سایر موارد، می‌تواند تا حدود زیادی زمینه ذهنی و نیز انگیزه لازم در دانشجویان را برای یادگیری سایر موضوعات ایجاد نماید. نتایج این بخش از تحقیق و اهمیت عامل "دانش کارآفرینی" در مطالعات اسکون و یلدریم (۲۰۱۱) مورد تایید قرار گرفته است.

یکی از حوزه‌های آموزشی مکملی که در ظاهر بسیار ساده به نظر می‌رسند، ولی

1. T- Values

به صورت کاملاً محسوسی می‌توانند در اثربخشی آموزش‌های کارآفرینی و در نتیجه افزایش روحیه و مهارت کارآفرینی در دانشجویان تاثیرگذار باشند، آموزش یکسری مهارت‌های عمومی در زمینه‌هایی همچون مهارت‌های برقراری ارتباطات اثربخش، مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت در کار با فناوری اطلاعات (رایانه و اینترنت)، مهارت‌های پایه زبان انگلیسی، مهارت‌های شنیداری و گرفتن مشاوره از دیگران و مهارت‌های نوشتاری می‌باشد که بایستی به‌عنوان یک جزء لاینفک آموزش‌های کارآفرینی همواره مورد توجه قرار گیرند. این موضوع از طریق نتایج تحلیل عاملی مورد تاکید قرار گرفته است، به نحوی که عامل "مهارت‌های عمومی" به‌عنوان عامل دوم وارد تحلیل شده و بخش قابل توجهی از واریانس کل را به خود اختصاص داده است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که علیرغم اهمیت موضوع، توجه چندانی به آموزش چنین مهارت‌هایی در قالب محتوای کلی دروس کشاورزی در مقاطع مختلف به‌طور عام و محتوای درس کارآفرینی و خوداشتغالی به‌طور خاص نشده است. اهمیت عامل "مهارت‌های عمومی" در مطالعات اسکون و یلدریم (۲۰۱۱) مورد تاکید قرار گرفته است.

براساس نتایج تحقیق عامل بعدی که به‌عنوان عامل سوم وارد تحلیل عاملی شده است، عامل "قوانین و مقررات" می‌باشد. آنچه مسلم است یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای راه‌اندازی و در ادامه، توسعه و مدیریت کسب‌وکارها، توجه به بسترها و الزامات قانونی می‌باشد که آشنایی با آنها می‌تواند فرایند ایجاد و توسعه کسب‌وکارها را به شکل قابل توجهی تسریع و تسهیل کند. در این باره، آشنا کردن دانشجویان با قوانین مرتبط به‌ویژه مجوزهای قانونی مورد نیاز برای ثبت و راه‌اندازی شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری جدید و نیز نحوه تنظیم قراردادهای کاری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. اهمیت این موضوع با در نظر گرفتن بروکراسی اداری رایج و وجود قوانین دست و پاگیر متعدد برای ثبت و ایجاد شرکت‌ها در کشور دو چندان است. نتایج این بخش از تحقیق و اهمیت عامل "قوانین و مقررات" با یافته‌های پژوهش‌های اسکون و یلدریم (۲۰۱۱) و اسوادرز (۲۰۰۹) مطابقت دارد. عامل بعدی که پس از عامل‌های دانش کارآفرینی، مهارت‌های عمومی و قوانین و مقررات به‌عنوان عامل چهارم وارد تحلیل عاملی شده است، عامل شایستگی‌های

شغلی می‌باشد. در این زمینه لازم است تا دانشجویان با نحوه سازماندهی یک بنگاه/ شرکت تجاری و نیز اصول مدیریت آن آشنا شوند تا پس از ایجاد کسب و کار جدید بتوانند موقعیت آن را در بازار رقابتی حفظ و تثبیت نموده و به تدریج آن را توسعه دهند. هم‌چنین توجه به نیازهای آموزشی دانشجویان در زمینه‌هایی هم‌چون مهارت‌های مرتبط با انتخاب نوع کسب و کار و نیز مکان و نام کسب و کار به‌ویژه در شروع راه‌اندازی شرکت‌ها می‌تواند تاثیر به‌سزایی در موفقیت‌های آتی آنها داشته باشد، موضوعی که در سرفصل کنونی آموزش‌های کارآفرینی در رشته‌های کشاورزی اصلاً به آن توجه نمی‌شود. نتایج این بخش از پژوهش در یافته‌های مطالعات گریچ‌نیک و هیسریچ (۲۰۰۹) و اسوادرز (۲۰۰۹) مورد تاکید قرار گرفته است.

یکی از مهارت‌های اصلی که دانشجویان برای شروع یک کسب و کار جدید می‌بایست داشته باشند، مربوط به نحوه‌ی تدوین طرح‌های کسب و کار می‌باشد. در صورتی که دانشجویان با ساختار یک طرح کسب و کار، مبانی و اصول تدوین و نحوه‌ی نگارش آن آشنایی نداشته باشند، به دشواری می‌توانند ایده‌ی خود را به یک فرصت و درنهایت یک کسب و کار جدید تبدیل کنند؛ به عبارت دیگر، ایده‌ی نوآورانه‌ی آنها قابلیت عملیاتی شدن و پیاده‌سازی پیدا نمی‌کند و در حد نظریه باقی می‌ماند. از این‌رو لازم است تا دانشجویان با طرح‌های کسب و کار و ساختار و نحوه‌ی استاندارد نگارش آنها در سطح مطلوبی آشنا شوند، موضوعی که از طریق نتایج این تحقیق نیز مورد توجه قرار گرفته و عامل "تدوین طرح کسب و کار" به‌عنوان عامل پنجم وارد تحلیل عاملی شده است. درنهایت، عامل آخر که براساس نتایج تحلیل عاملی به‌عنوان یکی دیگر از نیازهای آموزشی اصلی دانشجویان در زمینه‌ی کارآفرینی تاکید شده است، عامل "مهارت‌های مدیریتی" می‌باشد. در این‌باره نیز ضرورت دارد تا دانشجویان با اصول و مبانی مقدماتی مدیریت در زمینه‌های مختلف به‌ویژه مدیریت منابع انسانی، مدیریت ریسک، مدیریت بازار و مدیریت مالی آشنا شوند تا بتوانند با موفقیت امور مربوطه را در مراحل مختلف سازمان‌دهی و اداره کنند. البته باید گفت که هر یک از این شیوه‌های مدیریتی مباحث بسیار تخصصی بوده و انتظار نمی‌رود که در این حوزه‌ها اطلاعات کاملی به دانشجویان انتقال یابد؛ بلکه آنچه در این بخش باید

بیش تر مدنظر قرار گیرد آن است که دانشجویان مهارت‌ها و اصول اولیه‌ی مدیریت یک کسب و کار مقیاس کوچک (شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری کوچک) را بیاموزند و به صورت کلی با آنها آشنا شوند. به هر حال، نتایج این بخش از پژوهش و اهمیت عامل "مهارت‌های مدیریتی" در پژوهش‌های مختلفی هم چون احمدی و شرفی (۱۳۸۶)، آگهی و خالدی (۱۳۸۸)، گریچ‌نیک و هیسریچ (۲۰۰۹) و اسکون و یلدریم (۲۰۱۱) مورد تایید قرار گرفته است.

پیشنهادها

با در نظر گرفتن یافته‌های اصلی کسب شده از پژوهش و مباحث انجام شده، پیشنهادهای زیر ارایه می‌شود:

۱. با توجه به ضعف بارز آموزش‌های کارآفرینی در رشته‌های مختلف کشاورزی در حال حاضر و عدم اثربخشی و کارایی محتوای چنین آموزش‌هایی در ایجاد و تقویت مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان، پیشنهاد می‌شود به طور جدی نسبت به بازبینی و اصلاح سرفصل کنونی و تدوین یک برنامه‌ی آموزشی مناسب مبتنی بر نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه‌ی کارآفرینی اقدام شود. در این زمینه، ضرورت دارد نیازسنجی به منزله‌ی نخستین گام در راستای شناسایی نیازهایی که شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در حوزه‌ی آموزش‌های کارآفرینانه را نشان می‌دهد، مورد توجه برنامه‌ریزان و مسولان قرار گیرد.
۲. همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه‌ی کارآفرینی از ابعاد مستقل و مجزای مختلفی اعم از آموزش مبانی نظری کارآفرینی، مهارت‌های عمومی، قوانین و مقررات، شایستگی‌های شغلی، تدوین طرح کسب و کار و مهارت‌های مدیریتی تشکیل شده است؛ بدون تردید، با توجه به ارتباط نزدیک و تفکیک‌ناپذیر ابعاد اشاره شده، زمانی محتوای آموزش‌های کارآفرینانه اثربخشی لازم را خواهد داشت که تمامی ابعاد به صورت متناسب مدنظر قرار گیرند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در تدوین سرفصل و محتوای آموزش‌های کارآفرینانه در

رشته‌های کشاورزی، به این نکته‌ی اساسی توجه کافی شود.

۳. با توجه به تنوع محتوایی و حجم به‌نسبت زیاد مطالب مربوطه در حوزه‌ی آموزش کارآفرینی پیشنهاد می‌شود که تعداد واحد درس کارآفرینی در رشته‌های کشاورزی که در حال حاضر به‌صورت یک درس اختیاری و تک واحدی ارائه می‌شود، به ۳ الی ۴ واحد درسی (در دو سطح مقدماتی و پیشرفته) افزایش یافته و به‌عنوان یکی از دروس پایه یا اصلی برای تمام گرایش‌های کشاورزی در نظر گرفته شود. هر چند در این زمینه لازم است ضمن ارائه‌ی درس مستقل کارآفرینی به‌عنوان یک رویکرد مکمل، طی یک تجدیدنظر و بازبینی کلی راجع به سرفصل‌ها و محتوای دروس کشاورزی در مقاطع مختلف، رویکرد تلفیق کارآفرینی با سایر دروس رشته‌های کشاورزی به منزله‌ی یک رویکرد محوری به شکل جدی‌تری مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

منابع

- آراستی، زهرا، سعیدبنادکی، سعیده و ایمانی پور، نرگس (۱۳۹۰). نقش آموزش درس مبانی کارآفرینی در قصد کارآفرینی دانشجویان رشته‌های غیر مدیریت (مطالعه موردی: دانشکده‌های هنر و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران). *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۴ (۱۴): ۱۰۷-۱۲۴.
- آگهی، حسین و خالدی، خوشقدم (۱۳۸۸). تبیین نیازهای آموزشی دانشجویان در زمینه وظایف تجاری کارآفرینی با استفاده از مدل تجزیه و تحلیل کوادورانت از دیدگاه اساتید و دانشجویان کشاورزی غرب کشور. *مجموعه مقالات سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی، مشهد*، ۱۱ و ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۸، صص: ۲۰-۱.
- احمدی، محمد و شرفی، محمد (۱۳۸۶). بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان دوره کارشناسی رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تهران در زمینه کارآفرینی. *مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی کارآفرینی، خلاقیت و سازمان‌های آینده، تهران*، ۶ و ۷ اسفند ماه ۱۳۸۶، صص: ۱-۱۶.
- جعفری مقدم، سعید و سادات فخارزاده، آرزو (۱۳۹۰). توسعه نگرش کارآفرینانه در کتاب‌های درسی (مطالعه موردی: کتاب‌های فارسی دوره دبستان). *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۳ (۱۱): ۴۷-۶۶.
- حسینی، محمود و عزیزی، بهارک (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. *فصلنامه علوم کشاورزی ایران*، ۲ (۳۸): ۲۴۱-۲۵۱.
- ذبیحی، محمدرضا و مقدسی، علیرضا (۱۳۸۵). *کارآفرینی از تئوری تا عمل*. مشهد: انتشارات جهان فردا.
- رستمی، فرحناز، گراوندی، شهر و زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۰). پدیدارشناسی تجربیات دانشجویان در تاسیس کسب و کار (مطالعه موردی: دانشجویان پردیس کشاورزی و

- منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۴ (۱۴): ۸۷-۱۰۵.
- زالی، محمدرضا و رضوی، مصطفی (۱۳۸۳). بررسی تحلیلی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها. فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۴ (۱۶): ۵۱-۸۲.
- سعیدی مهرآباد، محمد و مهتدی، محمد مهدی (۱۳۸۷). تاثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه (مطالعه موردی: آموزش‌های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱ (۲): ۵۷-۷۳.
- شرفی، محمد، مقدم، مینا و مذبوحی، سعید (۱۳۹۰). برنامه درسی آموزش کارآفرینی: هدف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱ (۳): ۹۷-۱۳۰.
- شریف، مصطفی، جمشیدیان، عبدالرسول، رحیمی، حمید و نادری، ناهید (۱۳۹۰). تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۳ (۱۱): ۸۷-۱۰۶.
- طالبی، کامبیز و زارع یکتا، محمدرضا (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) دانش بنیان. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱ (۱): ۱۱۱-۱۳۱.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۸). مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی. تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- کردنائیچ، اسداله (۱۳۸۴). دانشگاه کارآفرین و نقش آن در ایجاد اشتغال. مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۹ و ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۴، صص: ۱-۳۶.
- محمدی الیاسی، قنبر (۱۳۸۷). مشروعیت کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه علمی نوظهور. فصلنامه دانش مدیریت، ۲۱ (۸۰): ۱۰۵-۱۲۲.

Askun, B. and Yıldırım, N. (2011). Insights on entrepreneurship education in public universities in Turkey: Creating entrepreneurs or not? *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 24 (1), 663- 676.

Bentler, P. and Weeks, D. (1980). Linear structural equations with latent variables. *Journal of Psychometrika*, 107 (45), 289- 308.

- Blenker, P., Dreisler, P. and Kjeldsen, J. (2008). A framework for developing entrepreneurship education in a university context. *Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 5 (1), 45- 63.
- Cheung, C. (2008). Entrepreneurship education in Hong Kong's secondary curriculum: Possibilities and limitations. *Journal of Education and Training*, 50 (6), 500- 515.
- Grichnik, D. and Hisrich, R. (2009). Entrepreneurial profiles: Competencies and educational needs in Universities of German. *IJEE*, 3 (3), 1- 31.
- Jones, C. and English, J. (2005). A contemporary approach to entrepreneurship education. *Journal of Education and Training*, 46 (8/9), 416- 423.
- Karimi, A., Malekmohamadi, I., Ahmadpour, D. M. and Rezvanfar, A. (2011). A conceptual model of entrepreneurship in the Iranian agricultural extension organization: Implications for HRD. *Journal of European Industrial Training*, 35 (7), 632-657.
- Luczkiw, E. (2008). Entrepreneurship education in an age of chaos, complexity and disruptive change. *OECD Publisher*, p. 335.
- Mwasalwiba, E. (2008). Entrepreneurship education: A review of its objectives, teaching methods and impact indicators. *Journal of Education+ Training*, 52 (1), 20- 47.
- Swaders, T. (2009). Educational needs of the entrepreneur: Unique or a predictable pattern? M.Sc. Thesis, University of Twente, *Business Administration*, p. 126.
- Temme, E.H., Van, H.P., Schouten, E.G. and Kesteloot, H. (2002). Effect of a plant sterol-enriched spread on serum lipids and lipoproteins in mildly hypercholesterolemia subjects. *Journal of Acta Cardiol*, 15 (57), 111- 115.
- Urbano, D., Aponte, M. and Toledano, N. (2008). Doctoral education in entrepreneurship: A European case study. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 15 (2), 336- 347.
- Walter, S. and Dohse, D. (2009). The interplay between entrepreneurship education and regional knowledge potential in forming entrepreneurial intentions. Kiel Working Paper No. 1549, Kiel Institute for the World Economy, Germany, p. 38.